

داستانک

تاجر و ماهیگیر

مردی تاجر نزدیک یک روستای ساحلی کنار آب ایستاده بود که یک قایق کوچک ماهیگیری از آنجا رد شد. مرد تاجر از ماهیگیری که داخل قایق بود پرسید: «چقدر طول کشید تا این چند ماهی را بگیری؟» ماهیگیر: «خیلی کم.» مرد تاجر: «پس چرا بیشتر صبر نکردی تا ماهی بیشتری گیرت بیاید؟» ماهیگیر: «چون همین تعداد هم برای سیر کردن خانواده‌ام کافی است.» مرد تاجر: «اما بقیه وقت خود را چه کار می‌کنی؟» ماهیگیر: «تا دیروقت می‌خواهم! کمی ماهیگیری می‌کنم! با بچه‌هایم بازی می‌کنم! با زنم بگو بخند می‌کنم. بعد می‌روم داخل دهکده می‌چرخم! با دوستانم شروع می‌کنیم به گیتار زدن و خوشگذرانی. خلاصه مشغولم با این نوع زندگی.» مرد تاجر: «من درس خوانده‌ام و می‌توانم کمک‌کنم! تو باید بیشتر ماهی بگیری! آن وقت می‌توانی با پولش یک قایق بزرگتری بخری! و با درآمد آن چند تا قایق دیگر. آن وقت تعداد زیادی قایق برای ماهیگیری داری.» ماهیگیر: «خب، بعدش چه؟» مرد تاجر: «به جای اینکه ماهی‌ها را به واسطه بفروشی می‌توانی مستقیما به مشتری هایت بدهی و برای خودت کار و کاسبی درست کنی. بعد کارخانه خودت را راه می‌اندازی و به تولیداتش نظارت می‌کنی. این دهکده کوچک را هم ترک می‌کنی و می‌روی به شهر. بعدش شهرهای بزرگتر. به کشورهای مختلف می‌روی و دست به کارهای مهم‌تری می‌زنی.» ماهیگیر: «همه این کارها چقدر طول می‌کشد؟» مرد تاجر: «۱۵ تا ۲۰ سال!» ماهیگیر: «اما بعدش چه آقا؟» مرد تاجر: «بهترین قسمت ماجرا اینجاست. در موقع مناسب می‌روی و سهام شرکتت را به قیمت خیلی بالا می‌فروشی. این کار میلیون‌ها دلار برایت عایدی دارد.» ماهیگیر: «میلیون‌ها دلار؟» خب بعدش چه؟» مرد تاجر: «آن وقت بازنشسته می‌شوی. می‌روی به یک دهکده ساحلی کوچک. جایی که می‌توانی تا دیروقت بخوابی. یکم ماهیگیری کنی. با نوه هایت بازی کنی. با زنت خوش باشی. بروی دهکده و تا دیروقت با دوستان گیتار بزنی و خوش بگذرانی!» ماهیگیر: «خب من همین الان هم که دارم همین کارها را می‌کنم!»

حکمت یاتضاد

بازگانی متکبر پس از خرید مقدار زیادی از محصولات کشاورزی یک روستا آنها را بار خودروی خود کرد و سمت شهر به راه افتاد. پس از خروج از روستا و در ابتدای راه از پسر نوجوانی که کنار جاده ایستاده بود پرسید: «تا شهر چقدر راه است؟» پسرک بعد از کمی فکر جواب داد: «اگر آهسته بروی حدود ۳۰ دقیقه کافی است. اما اگر با سرعت بروی یک ساعت و یا شاید بیشتر!» بازرگان که از این تضاد در جواب پسر بچه ناراحت شده بود بی آن که از او تشکر و خدا حافظی کند سریع به راه افتاد. او با سرعت به جلو می‌راند اما ۵۰۰ متر بیشتر نرفته بود که داخل چاله‌ای افتاد و ضمن پنجر شدن یکی از لاستیک‌های خودرو، نصف محصولاتش هم روی زمین پخش شد. بازرگان وقت زیادی را برای عوض کردن لاستیک و جمع کردن محصول ریخته شده روی زمین صرف کرد. او یک ساعت بعد هنگامی که خسته و کوفته به سمت شهری رفت به یاد حرف‌های پسرک افتاد و تازه منظور او را فهمید، پس بقیه راه را آرام و با احتیاط طی کرد.

عذاب وجدان

پسرک و دخترک مشغول بازی بودند. پسرک یک سری کامل تیله داشت و دخترک چندتا شیرینی. پسر به دختر گفت: «من همه تیله‌هامو بهت می‌دم، در عوض تو همه شیرینی‌هاتو به من بده.» دختر کوچولو قبول کرد. پسر کوچولو بزرگترین و قشنگترین تیله را بواشکی برای خودش برداشت و بقیه را به دختر کوچولوداد! اما دختر کوچولو در کمال صداقت و طبق قولی که داده بود تمام شیرینی هایش را به پسرک داد. آن شب دختر کوچولو با آرامش تمام به تخت خواب رفت و راحت خوابش برد، ولی پسر کوچولو نمی‌توانست بخوابد. او به این فکر می‌کرد همانطور که خودش بهترین تیله اش را بواشکی پنهان کرده، شاید دختر کوچولو هم مثل او مقداری از شیرینی هایش را قایم کرده و همه آنها را به او نداده است!

تقویم تاریخ

متفکر، فیلسوف، نویسنده و دوست سارتر

۱۱۳ سال پیش، برابر با نهم ژانویه ۱۹۰۸ میلادی، سیمون دوبوآر، فیلسوف و نویسنده آگزیستانسیالیست فرانسوی در پاریس به دنیا آمد. دوبوآر در یک خانواده بورژوا و کاتولیک به دنیا آمد. با وجود آنکه زنان در آن دوره کمتر به تدریس فلسفه می‌پرداختند، او تصمیم گرفت مدرس فلسفه شود. اودر آژمونی که به این منظور گذراند، با ژان پل سارتر آشنا شد. بووار و سارتر هر دو در سال ۱۹۲۹ در این آزمون شرکت کردند، سارتر رتبه اول و بووار رتبه دوم را کسب کرد.

یک رئیس جمهوری پرکار اما بدشانس

۱۰۸ سال پیش، برابر با نهم ژانویه ۱۹۱۳ میلادی، ریچاد نیکسون، سی‌وهفتمین رئیس جمهوری ایالات متحده از حزب جمهوری خواه، در کالیفرنیا به دنیا آمد. پایان دادن به جنگ ویتنام، اتخاذ سیاست تشنج‌زدایی با اتحاد جماهیر شوروی، رفع مظاهر تبعیض نژادی از ایالت‌های جنوبی، کلید خوردن رقابت فضایی با شوروی و ونشستن سفینه آپولو ۱۱ بر سطح ماه از جمله مهم‌ترین اتفاقاتی هستند که در دوران ریاست جمهوری نیکسون رقم خوردند. اما رسوایی واترگیت، پای نیکسون را به بانلاق فساد سیاسی باز کرد و نهایتا به استعفای او از منصب ریاست جمهوری انجامید.

شکارچی مرگبار جنگنده‌های متجاوز بعثی

۴۵ سال پیش، برابر با بیستم دی ۱۳۵۴ خورشیدی، نخستین فروند از ۸ جنگنده F-۱۴ خریداری شده، توسط ایالات متحده به ایران تحویل داده شد. تا بهمن ۱۳۵۷ هفتاد ونه فروند از این جنگنده‌ها به ایران فرستاده شد و آن یک فروند هواپیمای باقی مانده نیز در پی پیروزی انقلاب اسلامی در آمریکا ماند و در مصارف آموزشی مورد استفاده قرار گرفت. جنگنده‌های F-۱۴ طی جنگ ایران و عراق در دفاع از حریم هوایی کشور نقش مهمی بر عهده داشتند و مهارت خلبانان ایرانی این پرند ه‌های آهنین را به مرگبارترین سلاح در برابر هواپیماهای متجاوز تبدیل کرده بود.

«کربلای ۵» و گرفتن انتقام «کربلای ۴»

۳۴ سال پیش، برابر با بیستم دی ۱۳۶۵ خورشیدی، عملیات «کربلای ۵» در محور شلمچه آغاز شد و تا ۶ فروردین ۱۳۶۶ به طول انجامید. عملیات «کربلای ۵» در دست ۱۵ روز بعد از عملیات ناموفق «کربلای ۴» انجام شد و همه محاسبات دشمن را به هم ریخت. در واقع این عملیات باعث شد بار دیگر معادلات صحنه نبرد به نفع ایران رقم بخورد. «کربلای ۵» که در سال هفتم جنگ انجام شد حساب شده‌ترین حرکت ایران برای محاصره بصره به شمار می‌رود. در این عملیات نیروهای ایرانی تا جایی به بصره نزدیک شدند که توانستند این شهر را با آتش توپخانه هدف قرار دهند.

معما

پایان کار امیر در فین

خواهد شد، کما اینکه دسیسه‌های همین افراد عاقبت موجب امضای سند قتلش از سوی شاه بیست ساله قاجار شد. کافی است به این یک مورد توجه کنید: «قربانت شوم، الساعه که در ایوان منزل با همشیره همایونی به شکستن لبه نان مشغول خبر رسید که شاهزاده موثق الدوله حاکم قم را که به جرم رشاء و ارتشاء معزول کرده بودم به توصیه عمه خود ابقاء فرموده و سخن هزل بر زبان رانده‌اید. فرستادم او را تحت الحفظ به تهران بیاورند تا اعلیحضرت بدانند که اداره امور مملکت با توصیه عمه و خاله نمی‌شود. زیاده جسارت است. تقی» این نامه‌ای است که ادعای می‌شود امیرکبیر خطاب به ناصرالدین شاه نوشته است. در صحت این نامه بسیاری تشکیک کرده‌اند هر چند مورخانی چون خسرو متضد نیز بر درستی‌اش پای می‌فشازند. نامه درست باشد یا جعلی، باید

هنگام تفرج در باغ فین کاشان، علاوه بر عمارتی زیبا و درختان سر به فلک کشیده، گرمابه‌ای کوچک در گوشه باغ جلب نظرمی‌کند. این همان گرمابه‌ای است که ۱۶۹ سال پیش، برابر با بیستم دی ۱۲۳۰ خورشیدی، میرزا تقی‌خان فراهانی معروف به «امیرکبیر» را در آن به دستور شاه قاجار رگ زدند و کشتند. بی‌شک یکی از مواردی که دوست و دشمن در خصوص امیرکبیر بر آن متفق القول هستند این است که صدراعظم نامدار ناصرالدین شاه سال‌ها از زمانه خود جلوتر بود. از جمله وقایع مهم دوران وزارت میرزا تقی‌خان می‌توان به تاسیس دارالفنون، انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه، ساخت قراول خانه، حذف القاب و عناوین درباریان، و... اشاره کرد. امروز یحتمل از روش سختگیرانه او در برخورد با اطرافیان شاه و دولتمردان قاجاری، با عنوان بی‌سیاستی یاد



درس تاریخ

شهرت‌ترین جهانگرد جهان

۶۹۷ سال پیش، برابر با نهم ژانویه ۱۲۲۴ میلادی، مارکو پولو سیاح و تاجر شهیر ایتالیایی در ونیز درگذشت. در سفرنامه مشهور مارکو پولو با عنوان «شگفتی‌های جهان»، صفحات قابل توجهی به ایران و شرح دیدار او از سرزمین پارس اختصاص یافته است. مارکو سفر خود به سوی شرق را در سال ۱۲۷۱ میلادی به همراه پدر و عمویش نیکولو و ماتئو پولو آغاز کرد. پولوها طی این سفر از سرزمین‌های بسیاری از جمله ایران، فلسطین، ترکستان، سوماترا، جاوه، سیلان، هندوستان، و... گذر کردند و موفق شدند قوبلای خان را در کاخ باشکوهش ملاقات کنند. وقتی مارکو پولو بعد از ربع قرن به موطن خود بازگشت هیچ کس او را به خاطر نمی‌آورد. مارکو مدتی بعد برای دیدار دوباره از آسیا به تکاپو افتاد اما بروز جنگ بین جمهوری‌های ونیزو جنوا که به اسارت و انجماید این سفر را برای همیشه لغو کرد.



فوکوس



محمد مطیع در صحنه‌ای از سریال «سال‌های مشروطه»-۱۳۸۸

۷۷ سال پیش، برابر با بیستم دی ۱۳۲۲ خورشیدی، محمد مطیع، بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر ایران در مشهد به دنیا آمد. در کارنامه هنری مطیع، نقش آفرینی در سریال‌هایی چون «هزارستان»، «افسانه سلطان و شبان»، «امیرکبیر»، «کوچک جنگلی» و فیلم‌هایی مثل «کلاغ»، «دایره مینا»، «بازداشتگاه»، «آوار»، «گردباد»، «روزهای انتظار» و «وکیل اول» قابل مشاهده است. ایفای نقش میرزا آقاخان نوری در مجموعه تلویزیونی «امیرکبیر»، احسان الله خان دوستدار در سریال «کوچک جنگلی» و همچنین وزیر اعظم در «افسانه سلطان و شبان» را شاید بتوان جزو ماندگارترین نقش آفرینی‌های این هنرمند فقید به شمار آورد. محمد مطیع ۲۹ اسفند ۱۳۹۷ خورشیدی در ۷۵ سالگی در سوئد درگذشت.